



محتوای سوره انشراح

سوره انشراح [۱] نود و چهارمین سوره قرآن کریم می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مکی یا مدنی
- ۲ - معرفی
- ۳ - نامگذاری
- ۴ - ارتباط با سوره ضحی
 - ۴.۱ - مصادیق وحدت
 - ۴.۲ - مخالفان وحدت
 - ۴.۳ - وحدت در فقه
- ۵ - هدف سوره
- ۶ - محتوای سوره
 - ۶.۱ - آیه اول تا چهارم
 - ۶.۲ - آیه پنجم و ششم
 - ۶.۳ - آیه هفتم و هشتم
- ۷ - فضیلت سوره
- ۸ - فهرست منابع
- ۹ - پانویس

مکی یا مدنی

سوره انشراح نود و چهارمین سوره قرآن کریم در ترتیب **مصحف** و به اعتقاد بیشتر مفسران **مکی** است. بعضی از متأخرین با توجه به سیاق و محتوای آیات که به شماری از نعمت‌های ویژه **خداوند** به **پیامبر اسلام** (صلی الله علیه وآله) اشاره می کند و به ویژه آیه «و زَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» که از بلند آوازه شدن نام پیامبر (صلی الله علیه وآله) سخن می گوید و این امر در **مدینه** و در سال‌های پایانی دعوت آن حضرت به وقوع پیوست احتمال **مدنی** بودن این سوره را داده و حتی مدنی بودن آن را ترجیح داده اند [۲] [۳].
ولی با توجه به روایات ترتیب نزول و ارتباط معنایی روشن **سوره با سوره ضحی** ، به حدی که برخی آن را ادامه یا کامل کننده سوره ضحی دانسته اند مکی بودن **سوره انشراح** قوی تر به نظر می رسد. [۴] [۵] [۶]

معرفی

برحسب روایات ترتیب نزول، سوره انشراح یازدهمین [۷] [۸] [۹] (بدون احتساب سوره حمد) یا دوازدهمین [۱۰] [۱۱] سوره مکی است و بعد از سوره ضحی و قبل از **سوره عصر** نازل شده است [۱۲] [۱۳] [۱۴] و ۸ آیه و ۳۷ کلمه [۱۵] دارد.

نامگذاری

این سوره را از **صدر اسلام** در تفاسیر، مصاحف، کتب حدیث و کتاب‌های فقهی، سوره «الم نشرح» می نامیدند؛ ولی در چند قرن اخیر در بعضی از تفاسیر و مصحف‌ها نام «انشراح» را که مصدر **باب انفعال** از فعل «نَشْرَحَ» است و معنای حاصل مصدری دارد برای آن برگزیده اند؛ نیز در قرن اخیر در مصاحف و تفاسیر نام «شرح» برای این سوره متداول گردیده است. [۱۶] [۱۷]

ارتباط با سوره ضحی

ارتباط معنایی سوره انشراح با سوره قبل (**ضحی**) چنان آشکار است که همه مفسران به آن اشاره کرده اند. سوره ضحی با امتنان بر **رسول مکرم اسلام** (صلی الله علیه وآله) و بیان بخشی از مواهب بزرگ الهی به آن حضرت پایان گرفته است. سوره انشراح نیز با امتنان بر رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) و بیان قسمتی دیگر از مواهب الهی به ایشان آغاز شده است. [۱۸] [۱۹]
این پیوند شدید در کنار روایاتی که **شیعه** از امامان **اهل بیت** (علیهم السلام) و **اهل سنت** از برخی **صحابه** و **تابعان** نقل کرده اند سبب شده است که گروهی از اهل سنت و بسیاری از **علمان شیعه** به وحدت این دو سوره حکم کنند.

نقل شده است که اُبیّ در مصحف خود این دو سوره را با **بسمله** از هم جدا نکرده بود [۲۰]؛ نیز روایت شده است که طاووس و **عمر بن عبد العزیز** سوره های انشراح و ضحی را یک **سوره** محسوب می کردند و آن دو را بدون فاصله بسمله در یک رکعت از نماز واجب می خواندند. [۲۱] [۲۲] گرایش مشهور مفسران و فقهای شیعه چون **شیخ صدوق** [۲۳]، **سید مرتضی** [۲۴]، **شیخ طوسی** [۲۵] [۲۶]، **علامه طبرسی** [۲۷]، **محقق حلی** [۲۸] [۲۹] [۳۰] و... براساس **روایات** اهل بیت (علیهم السلام) [۳۱] به وحدت دو سوره با حذف بسمله بین آن دو بوده است [۳۲] [۳۳].

← مخالفان وحدت

اما **ابن ادریس** با پذیرش وحدت دو سوره، حذف بسمله میان آن دو را به دلیل وجود آن در **مصحف** و **تواتر** مصحف نپذیرفته است. [۳۴] سپس **علامه حلی** با ناتمام دانستن دلالت روایات بر وحدت دو سوره و با استناد به روایاتی که بر تعدّد دو سوره دلالت دارد در وحدت دو سوره تشکیک کرده است. [۳۵] [۳۶] [۳۷] غالب علمای پس از وی، مانند **شهید اول** [۳۸]، **شهید ثانی** [۳۹] [۴۰]، **محقق کرکی** [۴۱] و **محقق عاملی** [۴۲] نیز نظریه او را تأیید و دلالت روایات بر وحدت دو سوره را رد کردند. **صاحب جواهر** نیز اگر چه نظر صریحی در این مسئله نمی دهد؛ ولی در دلایل قاتلان به وحدت مناقشه می کند [۴۳]. البته در همین دوره نیز **اخاریان** [۴۴] و گروهی از علمای غیر اخباری [۴۵] [۴۶] [۴۷] نظریه وحدت را پذیرفته و از آن دفاع کرده اند.

← وحدت در فقه

با وجود همه این اختلافات، از نظر **حکم فقهی** بیشتر فقهای شیعه به **وجوب** یا **وجوب احتیاطی قرائت** این دو سوره با هم و با ثبوت **بسمله** در یک رکعت از نماز واجب **فتوا** داده اند [۴۸] [۴۹]، مگر آنان که قرائت کمتر از یک سوره کامل در یک رکعت از نماز واجب را جایز می دانند. [۵۰] [۵۱] به نظر می رسد رأی صحیح در این باب عدم وحدت این دو سوره است و **روایات** نیز بر بیش از جواز خواندن این دو سوره با هم در یک رکعت از نماز واجب دلالتی ندارد، حتی از بعضی روایات عدم وحدت این دو سوره استفاده می شود. [۵۲] [۵۳]

هدف سوره

هدف این سوره آرامش دادن به **رسول خدا** (صلی الله علیه وآله) و دعوت آن حضرت به پایداری است، از این رو خداوند نعمت های بزرگی را که به آن حضرت ارزانی کرده است یادآور می شود و او را به پیروزی بر مشکلات بشارت و به **عبادت** و **دعا** فرمان می دهد. [۵۴] [۵۵]

محتوای سوره

سوره انشراح با بیان سه موهبت بزرگ از مواهب الهی ویژه پیامبر (صلی الله علیه وآله) آغاز می شود.

← آیه اول تا چهارم

ابتدا **شرح صدر** پیامبر (صلی الله علیه وآله) به گونه ای که آمادگی پذیرش وحی و ادا حق رسالت و صبر در برابر سختی ها و تحمل **آزار** و اذیت مردم را داشته باشد، مطرح گردیده است. سپس به سبک کردن بار سنگین رسالت و مسئولیت دشوار **نبوت** و هدایت مردم اشاره می کند و در چهارمین آیه به بیان سومین نعمت یعنی بلند آوازه کردن نام آن حضرت می پردازد که از مصادیق آن، این است که خدای سبحان نام پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در **آذان** و **اقامه** و **تشهد** نماز در کنار نام خویش قرار داده است. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آمده است: **خداوند عزوجل** به رسولش می فرماید: «هرگاه نام من برده شود نامت با نام من ذکر می شود». [۵۶] [۵۷] [۵۸]

← آیه پنجم و ششم

در پنجمین آیه به پیامبر (صلی الله علیه وآله) مژده آسانی پس از دشواری می دهد: «قَائِمًا مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» و در آیه بعد این مطلب را تکرار می کند. گروهی از مفسران تکرار «العسر» را به صورت **معرفة** دلیل بر یکی بودن آن دو دانسته و تکرار «یسراً» را به صورت **نکره** دلیل بر تعدد و مغایرت آن دو با هم می دانند، بنابراین، مقصود آیه چنین است که در برابر هر **عسر** دو **یسر** وجود دارد: یک **یسر** در **دنیا** و **یسر** دیگر در **آخرت**. این نظر با روایات نیز سازگاری دارد. برای نمونه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده است: «خداوند یک عسر و دو یسر آفرید. یک عسر نمی تواند بر دو یسر غلبه کند» [۵۹] [۶۰]؛ اما **علامه طباطبایی** این تکرار را صرفاً تأکید معنای آیه پیشین می داند و سه **نعمت** ذکر شده در ابتدای سوره را از مصادیق یسر پس از عسر به شمار می آورد. [۶۱]

← آیه هفتم و هشتم

در نهایت خداوند خطاب به پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرماید: هرگاه از واجبات فارغ شدی خود را در عبادت و دعا به سختی بینداز: «قَادًا قَرَعْتَ قَانَصِبَ • و إلی رِيكَ قَارِعَب» در **تفسیر** این دو آیه مفسران وجوه دیگری نیز ذکر کرده اند که بعضی از باب بیان مصداق و برخی نیز ضعیف و بدون دلیل است. [۶۲] [۶۳] از **پیامبر** (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمود: «از خداوند متعالی سؤالی کردم که ای کاش نمی کردم؛ گفتم: پروردگارا پیغمبرانی قبل از من آمده اند. برای بعضی از ایشان باد را مسخر گردانیدی و بعضی، مردگان را زنده می کردند. فرمود: آیا یتیم نبود و من پناهت دادم؟ گفتم: بلی. فرمود: آیا گمشده نبود و من هدایت کردم؟ گفتم: بلی. فرمود: آیا سینه ات را گشاده نساختم و سنگینی روی دوشت را برداشتم؟ گفتم: آری ای پروردگار من». [۶۴] [۶۵]

فضیلت سوره

بنا به روایتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: یا **علی**! کسی که این سوره را قرائت کند گویا فقیران امت مرا سیر کرده است و در برابر هر **آیه** در روز **قیامت** تن پوشی بهشتی به او می دهند. [۶۷]

فهرست منابع

الاتقان فی علوم القرآن؛ اسباب النزول، واحدی؛ اسرار ترتیب القرآن؛ الانتصار؛ البرهان فی علوم القرآن؛ بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز؛ تاریخ قرآن، رامیار؛ تبصرة الفقهاء بین الكتاب والسنة؛ تذكرة الفقهاء؛ تفسیر التحرير و التنویر؛ تفسیر الکاشف؛ التفسیر الکبیر؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تفسیر المراغی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة؛

الذكرى؛ الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقيه؛ روض الجنان و روح الجنان؛ شرايع اسلام فى مسائل الحلال و الحرام؛ غاية المرام فى شرح شرايع الاسلام؛ كتاب السرائر؛ المبسوط فى فقه الاماميه؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمد باقر الصدر؛ محاسن التأويل، قاسمى؛ المختصر النافع فى فقه الاماميه؛ مختلف الشيعة فى احكام الشريعة؛ مدارك الاحكام فى شرح شرايع الاسلام؛ مستمسك العروة الوثقى؛ المعتبر فى شرح المختصر؛ المعجم الاحصائى لالفاظ القرآن الكريم؛ مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار؛ منهاج الصالحين، خويى؛ منتهى المطلب؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى؛ وسائل الشيعة؛ الهداية (فى الاصول والفروع).

پانویس

۱. ↑ شرح/سوره ۹۴، آیه ۱.
۲. ↑ تفسير قاسمى، ج ۱۷، ص ۱۸۲.
۳. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۲.
۴. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۶۱۲، ۷۶۹.
۵. ↑ البرهان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۸۰.
۶. ↑ الاتقان، ج ۱، ص ۲۹ - ۳۱.
۷. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۶۱۲.
۸. ↑ البرهان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۸۰.
۹. ↑ الاتقان، ج ۱، ص ۲۹ - ۳۱.
۱۰. ↑ مفاتيح الاسرار، ج ۱، ص ۱۲۸.
۱۱. ↑ التمهيد، ج ۱، ص ۱۳۵.
۱۲. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۶۱۲.
۱۳. ↑ البرهان، ج ۱، ص ۲۸۰.
۱۴. ↑ التمهيد، ج ۱، ص ۱۳۵.
۱۵. ↑ المعجم الاحصائى، ج ۱، ص ۳۱۰.
۱۶. ↑ التحرير والتنوير، ج ۳۰، ص ۲۰۷.
۱۷. ↑ تاريخ قرآن، ص ۵۹۰.
۱۸. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۶۸.
۱۹. ↑ اسرار ترتيب القرآن، ص ۱۵۲.
۲۰. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۲۸.
۲۱. ↑ التفسير الكبير، ج ۲۲، ص ۲.
۲۲. ↑ تفسير مراعى، ج ۲۰، ص ۱۸۸.
۲۳. ↑ الهداية، ص ۱۲۵.
۲۴. ↑ الانتصار، ص ۱۴۷.
۲۵. ↑ المبسوط، ج ۱، ص ۱۰۷.
۲۶. ↑ النهاية، ص ۷۸.
۲۷. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۶۹.
۲۸. ↑ شرايع الاسلام، ج ۱، ص ۶۶.
۲۹. ↑ المعتبر، ج ۲، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.
۳۰. ↑ المختصر النافع، ص ۳۱.
۳۱. ↑ وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۵۴ - ۵۶.
۳۲. ↑ الحدائق، ج ۸، ص ۲۰۴ - ۲۰۵.
۳۳. ↑ جواهرالكلام، ج ۱۰، ص ۲۰.
۳۴. ↑ السرائر، ج ۱، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.
۳۵. ↑ مختلف الشيعة، ج ۲، ص ۱۷۰.
۳۶. ↑ تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۶.
۳۷. ↑ منتهى المطلب، ج ۱، ص ۲۷۶.
۳۸. ↑ الذكرى، ص ۱۹۱.
۳۹. ↑ روض الجنان، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.
۴۰. ↑ الروضة البهية، ج ۱، ص ۶۱۲ - ۶۱۳.
۴۱. ↑ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۶۲.
۴۲. ↑ مدارك الاحكام، ج ۳، ص ۳۷۷.
۴۳. ↑ جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۲۰ - ۲۴.
۴۴. ↑ غاية المرام، ج ۱، ص ۱۵۲.
۴۵. ↑ الكاشف، ج ۷، ص ۵۸۰.
۴۶. ↑ منهاج الصالحين خويى، ج ۱، ص ۱۶۴.
۴۷. ↑ مستمسك العروة، ج ۶، ص ۱۷۵.
۴۸. ↑ مستمسك العروة، ج ۶، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.
۴۹. ↑ مجموعه مؤلفات صدر، «منهاج الصالحين»، ج ۱۴، ص ۲۲۸.
۵۰. ↑ الحدائق، ج ۸، ص ۲۰۵ - ۲۰۶.
۵۱. ↑ تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۳۴ - ۱۳۶.
۵۲. ↑ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۶۴ - ۳۶۵.
۵۳. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۲۶۵.
۵۴. ↑ التحرير والتنوير، ج ۳۰، ص ۲۰۷.
۵۵. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۲.
۵۶. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۷۱.
۵۷. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۵.
۵۸. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.
۵۹. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۷۱ - ۷۷۲.
۶۰. ↑ التفسير الكبير، ج ۳۲، ص ۶.
۶۱. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۶ - ۳۱۷.
۶۲. ↑ الميزان، ج ۲۰، ص ۳۱۷.
۶۳. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۷۲ - ۷۷۳.
۶۴. ↑ اسباب النزول، ص ۲۵۴.
۶۵. ↑ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۷۰.
۶۶. ↑ كنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

